

شیوه‌های متعددی رو برای نگهداری نکات مختلفی که ضمن کار یادمی‌گرفتم، تست کردم از جمله نوشتن در کاغذهای مخصوص فیش و استفاده از OneNote و بعضی از نرم افزارهای فیش نگاری و ... همه روش‌هایی که گفته شد به نوعی یک یادداشت برداری کاغذی ولی به سبک دیجیتال هستند نه خیلی بیشتر که معمولا خسته کننده هستند و کم نتیجه و عمدتا پاسخگوی نیازهای جدید نیستند

پس از مدتی استفاده از این شیوه‌ها به این نتیجه رسیدم که یک ویکی شخصی کم دردسر برای خودم راه اندازی کنم. نرم‌افزارهای سورس باز مختلفی رو تست کردم و علیرغم برخی کاستی‌ها به همان نرم افزاری رسیدم که سایت معظم ویکی پدیا از اون استفاده میکنه یعنی نرم افزار MediaWiki که از [اینجا](#) میتونید دانلودش کنید در مدیاویکی شخصی خودتون به صورت کاملا لوکالی، میتونید فیش‌ها، یادداشت‌ها، صفحات وبی و مقالات متعددی رو ایجاد و ویرایش کنید و به یکدیگر و به سایت‌های اینترنتی پیوند بدید. همه صفحات ویکی شما میتونند با همدیگه به شکل درون متنی پیوند برقرار کنند و شبکه‌ای از مفاهیم مرتبط به هم تشکیل بدن. همچنین برای هر صفحه میشه از دسته‌بندی و کلمات کلیدی که توسط خودتون تعریف میشه برای طبقه‌بندی استفاده کرد نصب و راه‌اندازی اون بسیار ساده است و کافیه مثلا فقط نرم افزار [WAMP -Windows Apache Mysql PHP](#) رو به عنوان راه انداز وب سرور داخلی نصب کنید و ...

رابطش به برنامه نویسی

یکی از کاربردهایی که میشه برای این شیوه در نظر گرفت، نگهداری و به اشتراک گذاری دانش افراد مثلا در یک تیم برنامه‌نویسی است که پس از مدتی استفاده از اون باعث تولید یک مجموعه ارزشمند از تجربیات و دانش افراد میشه و افراد تازه کار میتونن در تجربیات بقیه شریک بشن و هرکاری فقط توسط یک نفر تجربه میشه و سایرین اونو استفاده میکنن و نیازی نیست که همه اونو تجربه کنن یا به قولی دوباره چرخ رو اختراع کنن

نظرات خوانندگان

نویسنده: احمدعلی شفیعی
تاریخ: ۰۳۱ ۱۳۹۱/۰۴/۱۲

خیلی دوست داشتم به همچنین سیستمی رو روی Windows Form پیاده کنم که بشه با ویکی‌پدیا هم سازگارش کرد...

نویسنده: مجتبی حسینی
تاریخ: ۰۵۶ ۱۳۹۱/۰۴/۱۲

- البته شاید این کار به منظور استفاده تک کاربره مناسب باشه اما بسیاری از مزایای اون از دست میره چراکه صدها extension برای مدیاویکی تولید شده و پشتیبانی میشه که دیگه نمیشه ازشون استفاده کرد. مثل افزونه کتاب ساز اون
- مدیاویکی دائم در حال به روز رسانی نرم افزار خودش هست که توسعه اون خیلی سریع رخ میده.
- نرم افزار اکثر قابلیت‌های مورد نیاز فارسی زبان‌ها رو داره مثلا زبان فارسی و تاریخ شمسی.
- فروم‌های متعدد برای پاسخگویی به اشکالات کاربران وجود داره.
- قابلیت همکاری تیمی که بهترین قابلیت‌های ویکی هست از بین میره.

- فکر میکنم بهترین کار همکاری با تیم تولید کننده در رفع نیازهای بومی باشه مثلا :
ادیتور اون خیلی مناسب کاربر معمولی نیست

در خیلی از موارد چپ چین راست کردن متن با مشکل مواجه میشه

دکمه‌های میان بر برای خیلی از عملیات رو نداره

موقع تایپ مطلب قابلیت WYSIWYG وجود نداره باید به preview رفت یا مطلب رو ذخیره کرد و سپس نتیجه اونو دید

نویسنده: رضا.ب
تاریخ: ۲:۲ ۱۳۹۱/۰۴/۱۲

من کلا از OneNote در این زمینه‌ها استفاده گسترده‌ای دارم. از چند بابت برام خیلی کاربردی بوده:

- پشتیبانی کامل فارسی و ویرایشگری بی‌نقص‌اش
- همیشه در دسترس است و نیاز به ذخیره‌سازی ندارد
- افزونه‌های کلیپ کردن مطلب هایت‌لایت شده و ارسال مستقیم اون از مرورگر به وان‌نت
- ایجاد صفحات همراه با زیرشاخه درست کردن به نحوی که از نظر منطقی و زیبایی عالی عمل میکنه.

و ممنون از شما بابت معرفی این روش. حتما امتحانش میکنم. امیدوارم از این دست مطالب پویا و سازنده بیشتر باشه. هرکس به‌قدر بضاعت خودش. مخصوصا در فضایی که اینجارو اینقدر پرشور و هیجان کرده.

نویسنده: میثم هوشمند
تاریخ: ۱۳:۴۴ ۱۳۹۱/۰۴/۱۲

با سلام

خیلی خوبه

من خودم از طرفداران پر و پا قرص این ایده هستم

چه بسا که خودم چند جا مطرح کردم اما به دلیل همت والای هم تیمی‌ها اجرایی نشد!

نویسنده: امیرحسین

تاریخ: ۲۳:۵۶ ۱۳۹۱/۰۴/۱۲

واقعا ایده جالبی بود.
من توی یه تیم برنامه نویسی کار می‌کنم که به شدت به این نیاز داره.
همیشه فکر می‌کردم که یه مشکلی هست ، ولی تا به حال ذهنم به این جا نرسیده بود که همچین چیزی پیاده سازی کنم.
این ویکی رو روی سرور داخلی مون نصب می‌کنم ! حتما

نویسنده: مجتبی حسینی
تاریخ: ۲:۱۵ ۱۳۹۱/۰۴/۱۳

روش ویکی به لحاظ زیر ساختی دارای مبناهای جدیدی در فلسفه علم و مدیریت دانش است و کلا ساختار درختی دانش را به هم ریخته و اولویت بندی ابتدایی مفاهیم را که مثلا کلی به جزیی مد نظر باشد از بین می‌برد و با این نگاه هر مفهومی در موقع خاص خود و با توجه به زاویه نگاه کاربر مفهوم پیدا می‌کند [این](#) ویدئو رو اگر ببینید به درک این مطلب خیلی کمک می‌کنه

نویسنده: علی. ن
تاریخ: ۱۹:۴۴ ۱۳۹۱/۰۴/۱۸

سلام آقا مجتبی.
من این مدیا ویکی را بنابر توصیه شما نصب کردم. ولی تاریخ شمسی که نداره؟ جطوری ست کنم.
ممنونم.

نویسنده: مجتبی حسینی
تاریخ: ۱۷:۲۴ ۱۳۹۱/۰۴/۱۹

سلام
تقویم شمسی در هنگامی که زبان کاربری رو فارسی انتخاب کنید در بخش ترجیحات کاربری یا preferences در بخش date and time قابل تنظیم است

نویسنده: حسام
تاریخ: ۱۷:۵۰ ۱۳۹۱/۰۵/۰۵

می تونید چند پوسته فارسی مناسب رو براش معرفی کنید پوسته‌های پیش فرض بسیار نامناسب هستند
ممنون

نویسنده: وحید نصیری
تاریخ: ۱۱:۳۷ ۱۳۹۱/۰۵/۰۶

یک گالری [در اینجا](#) داره.

نویسنده: حسام
تاریخ: ۱۴:۴۰ ۱۳۹۱/۰۵/۰۶

ممنون یکم قالب هاش برای نمایش بهتر فارسی نیاز به دست کاری داره روی یک نمونش یک مقدار تغییرات دادم بد نشد

نویسنده: رحیم
تاریخ: ۱۱:۴۰ ۱۳۹۳/۰۱/۲۲

سلام
برای این موضوع وب سایت آنلاین خوبی رو می‌شناسین که این خدمات رو ارائه بده و همچنین زبان فارسی رو پشتیبانی کنه؟ البته

یه سری رو امتحان کردم ولی هر کدوم یه مشکلی دارن.

نویسنده: ژوپیتِر

تاریخ: ۸:۱۷ ۱۳۹۳/۰۱/۲۴

بهترین سایت موجود [مایکروسافت](#) است که سرویس ابری [OneNote](#) را ارائه می‌کند.

با توجه به وجود کار گروهی در شرکت‌های نرم افزاری، بعضی مواقع انتظاری از هر نوع به شما می‌رسد که ممکن است چالشی برای کارهای در دست انجام شما بوجود آورد. در این متن سعی شده این موارد بررسی و راه حلهایی برای حل مسأله‌ها آمیز آن پیشنهاد شود.

- در مواقعی که کار جدیدی به شما میرسد و برآوردی از زمان انجام آن ندارید قبل از دادن هر قولی زمان کوتاهی بین نیمروز تا 2 روز برای بررسی درخواست کنید که با توجه به اهمیت موضوع ممکن است در حد بیان شفاهی یک درخواست بماند و ادامه ای نداشته باشد.

- در زمانی که موارد زیاد کار جدید در پی هم به شما رسانده میشود قبل از انجام اگر اولویت بندی دارید طبق همان لیست کارتان را جلو ببرید و با توجه به اهمیت موضوعی، کار جدید بین کارها گنجانده شود البته برای پیشرفت بهتر کار وضعیتتان را به شخص درخواست کننده بطور اجمالی توضیح دهید و بنظر در این مواقع کمی هم چاشنی گرفتاری مناسب در توضیحاتتان بسیار کارآمد است.

- در بین توضیحات به شخص درخواست دهنده که معمولاً رئیس قسمت و یا مدیر پروژه است حتماً تصمیم گیری برای ترتیب و اهمیت کارها را به او بسپارید و لیست اولویت بندی جدید دریافتی را برای خودتان نگهدارید.

- هیچگاه خودتان را بیکار نشان ندهید، در خیلی از مواقع فرد مزاحم از کم کار بودن شما منظور تعداد کارهای در دست انجام به سراغ شما میاید. بگذارید مثالی برایتان بیاورم که در واقع خاطره ای از همکاران خودمان است. رئیس بخش به X میگوید که کارتان خیلی کم شده و ۷ را که نوع فعالیتش (شاید سخت افزاری که دائماً بین میزها و اتاقها جابجا میشود و یا یک کیس کامپیوتر را هم ممکن است جابجا کند) با شما (خاص پشت میز بنشینید و شروع به خلق قسم‌های مختلف نرم افزار کنید) سنخیتی ندارد را در کفه دیگر ترازو قرار میدهد، خوب X هم بعد از جابجایی بی مورد چند کیس به اتاقهای در دسترس از کسی بنقل از رئیس میشوند که شما یعنی X خیلی فعالیتتان زیاد است و دارید در این مجموعه سخت تلاش میکنید.

- همیشه دور و بر میز کارتان را از صندلی‌های اضافه خالی کنید و برای گوش کردن به فرد مزاحم ترجیح بدهید که او ایستاده باشد. و اگر بحث به نقطه‌هایی غیر از مسئولیت شما رسید و یا بی مورد ادامه دار شد بطوریکه مزاحم برنامه ریزی شما شد با عکس‌العملتان به فرد نشان بدهید که مزاحم شماست و کارتان در اهمیت بالاتری وجود دارد.

- همیشه در بیان و جواب درخواست‌ها از مکالمه بصورت زنده استفاده کنید و نه از ایمیل و یا یادداشت.

- در هنگام طولانی شدن صحبت با فرد مزاحم با تغییر در چهره مانند مالیدن چشم و یا مرتب کردن کاغذهای روی میز و نگاه کردن مدام به ساعت مچی و یا به حاشیه بردن صورت فرد در یک گراند نگاهتان با توجه خیلی بیشتر به صفحه نمایش اعلام کنید که دیگر بس است.

- اگر تا پیش از این به خلوت بودن میز کارتان اهمیت میدادید. مطمئن باشید با ادامه این رفتار کاغذهای میز شما را دیگران افزایش میدهند نه شما، پس بهتر است که شما کاغذها را آنقدرها هم کاهش ندهید و هر از چندگاهی هم کاغذها را بور بزنید.

- ما بیکار ننشسته ایم، چطور؟ بگذارید خاطره ای برایتان تعریف کنم. یکی از دوستان مسئول قسمتی از نگهداری سرورهای اداره ای را بر عهده گرفته بود و تقریباً در یک سیکل بر اساس شیفت، کابل شبکه سرور را بیرون میکشید همکار دیگر مبهوت میشد که این کار چه سودی دارد. به تلفنهای زیادی که زده میشد جواب در حال بررسی و حل مشکل هستیم داده میشد و در آخر این سوال چرا را با این جواب میداد " ما بیکار ننشسته ایم ". یعنی این تفکر باید خلق شود که شما دور از چشم دیگران هم بیکار

نیستید .

- بیشتر مواقع کاری که به شما ارجاع داده میشود بصورت باز است یعنی چه؟ کار بدون تعریف دامنه ارجاع میشود و بدین معناست که روی آن فکر نشده و فقط بیان یک نیاز(خیال) تبدیل به یک دستور کتبی شده است تا در حین کار باگها از بین برود و کار مناسب از آب بیرون بیاید. چکار باید کرد هیچوقت قول زمان را در حین توضیح و ارجاع کار به کسی ندهید زیرا با بررسی کار عمق فاجعه مشخص میشود و در آن زمان است که شما میتوانید با توجه به درکتان از مسئله حجم و زمانیکه به درخواست کننده میدهید او را نیز در نسبت به مسئله آگاه میکنید و با مشورت و مشارکت او تصمیم به انجام و یا ارائه زمانبندی بدهید.

- چرخ ساز نباشید، در حین دریافت نقش در تراژدی نرم افزار نویسی مواظب باشید که نقش گاليله و یا کریستف کلمب را بشما ندهند. ساخت سرویس و یا نوعی سند که مستندات غیر از چند سایت که فقط تعاریف را نشان میدهد و از توسعه خبری نباشد. چون بعد از زمانی که بر روی پروژه میگذارید شما قیم آن نرم افزار میشوید و شکست کار شکست شماست.

- توضیح فنی ممنوع، شاید برای شما مهم باشد که از چه تکنیک و یا کتابخانه هایی استفاده میکنید ولی بالاتر از شما به این موضوع اهمیت میدهند که چند ساعت باز هم میگویم چند ساعت وقت برای آن کار صرف کرده اید. یعنی هرچه بیشتر شیفتگی خود را به کتابخانه های تسهیل کننده مانند افزونه هایی مثل ریشارپر نشان بدهید برای فرد مقابل که ممکن است یک برنامه نویس ADO.NET باشد شما به چشم یک کلاهبردار و یا سوء استفاده گر بنظر میایید.

اگر دوستان هم موردی مشابه را در نظر دارند لطفا برای مشارکت در نظرات درج کنند.

پ.ن: با توجه به بعضی نظرات لازم میدونم اینو بگم که متن بالا در واقع تمثیل ادب از که آموختی بوده تا رواج بی ادبی. البته امیدوارم برداشت خواننده این نباشه که همه مجموعه رو باید سر کار گذاشت.

نظرات خوانندگان

نویسنده: پالادین
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۹:۵۵

بخشی از این توصیه‌ها کاملاً ماکایولی وار بود!
به طور مثال مسئول شبکه می‌تونست به فکر ارتقا سیستم‌های سازمانش باشه تا اینکه کابل شبکه رو قطع کنه!

نویسنده: محمد رعیت پیشه
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۱:۱۶

من دقیقاً منظورتون رو از قسمت "ما بیکار ننشسته ایم" متوجه نشدم...میشه بیشتر توضیح بدید!
"- همیشه در بیان و جواب درخواست‌ها از مکالمه بصورت زنده استفاده کنید و نه از ایمیل و یا یادداشت."
فکر نمی‌کنید استفاده از بستری که به صورت مکتوب باشه بهتره؟

"چرخ ساز نباشید" رو هم لطفاً توضیح بیشتری بدید. در جایی که من هستم تقریباً هر کاری بهم سپرده میشه از طراحی بنر با فتوشاپ تا نوشتن RFP و آیا انجام چنین کارهایی اشتباه است؟ مگر در شرکت‌های نرم افزاری چقدر وظایف تفکیک شده هستند!؟

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۲:۱۵

در مورد «ما بیکار ننشسته ایم» واقعیت این است که کارهای برنامه نویسی یک سیستم بعد از یک مدت به پایان می‌رسند و مابقی آن نگهداری است. این فاز نگهداری آنچنان هیجان انگیز نیست. هر روز کار نداره. شاید هفته‌ای یکی دو تغییر اگر ارجاع شوند. اینطوری مدیر شرکت فکر می‌کنه داره زیادی حقوق می‌ده. چون شما که به ظاهر کاری نمی‌کنی. یا به همین دلیل (من دارم بهت حقوق می‌دم ...) اینقدر تغییرات بی‌ربط رو به سیستم تحمیل می‌کنه که دست آخر شیرازه سیستم از هم می‌پاشه. نمونه دیگرش بحث شبکه هست. کار شبکه که تموم شد، مگر مابقی آن چقدر کار دارد؟ حداکثر این است که یک نفر را بگذارند یوزر تعریف کند، دسترسی بدهد. همین. اینجا است که کار کارمندی با رویه کار IT آنچنان جور درنمی‌آید. ولی همین نگهداری سیستم هم کار هر کسی نیست. این رو هم خیلی‌ها نمی‌تونند درک کنند.

در کل به نظر من برنامه نویسی‌ها نباید خودشون رو درگیر کار کارمندی کنند تا بخواهند با این نوع مسایل سر و کله بزنند و اثبات کنند که وجودشان واقعا ضروری است و اگر در مورد آن‌ها هزینه‌ای انجام می‌شود، دور ریخته نشده.

[You're a Developer, So Why Do You Work For Someone Else](#)

نویسنده: افشار محبی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۲:۲۱

نوشته کمی بار منفی داشت. ولی در مواقع مثبت می‌تواند توصیه‌های مفیدی باشد.

نویسنده: مهدی پایروند
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۲:۴۶

ممنون از نظرتون، در کل هدف من برنامه نویسی‌ها بوده و منظورم از ما بیکار ننشسته ایم هم به افرادی است که بطور حرفه ای کار میکنند ولی چون تحرک فیزیکی ندارند از دید دیگران بیکار بنظر میان.
منظور از چرخ ساز هم کسی رو میگم که میخواد مسائل حل شده از قبل رو مثل ORM‌ها رو یک تنه حل کنه وبا نوشتن یک لایه پر از باگ تک نفره که خیلی از کارهای EF و یا NH را انجام نمیدهد خودش را در تثبیت کند [و چگونه کار برنامه نویسی خود را حفظ کنیم؟!](#)

نویسنده: مهدی پایروند
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۲:۴۷

این بار منفی برای درک و اهمیت مسائل مهم بود، افشار جان، ممنون

نویسنده: احسان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۳:۴۲

دل پری داری ولی فراموش نکن محل کار دانشگاه نیست ولی اگر به حد کافی ساکت باشی صدای کائنات را هم خواهی شنید!

نویسنده: سعید
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۳:۵۱

دقیقاً! ما نیز موافق هستیم: "تغییر در چهره"، "افزایش و بور زدن کاغذها"، "توضیح فنی ممنوع" و ... همینطوریش هم "برنامه نویس = جمع گریز و پرمدها"! کافیه اینکارها رو هم بکنیم، بشیم مصداق کامل شاهزاده ماکیاولی:)

نویسنده: محسن خان
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۵:۱۴

گاهی وقتها مجبور میشی که اینکارها رو بکنی:

[If Architects Had to Work Like Web Designers](#)

نویسنده: علیرضا
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۴ ۱۵:۱۵

تقریباً با همه صحبت‌های دوستمون موافقم! راستش من بند بند این موارد رو تجربه کردم و در نهایت چیزی جز خستگی و بی انگیزگی در سال‌های گذشته برام نداشت.
ولی از زمانیکه موارد بالا رو رعایت میکنم تقریباً دردسرام خیلی کم شده مخصوصاً در ارگانهای دولتی.

نویسنده: ایمان محمدی
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۲۵ ۰:۳۵

در دوره آن لاین و رایگان [مدیریت موثر زمان](#)، درس شماره ۳ "چگونه «نه» بگوییم؟! دکتر عماد قائنی بصورت کاملاً کاربردی نه گفتن رو شرح داده است.

نویسنده: بهروز راد
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۳۰ ۹:۲۴

من به شخصه اصلاً در چنین محیط‌هایی حاضر نمیشم کار کنم. محیط‌هایی که بر مبنای تظاهر، تمارض، دروغ‌گویی و چاپلوسی شکل گرفته باشه با ذات من ناسازگار.

نویسنده: رحیم
تاریخ: ۱۳۹۲/۰۹/۳۰ ۱۰:۷

من دقیقاً با گفته‌های نویسنده این مطلب موافقم چون گفته‌های ایشان دقیقاً شرایط کاری بنده رو نشون می‌ده